

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: فرید پرواز
۱۷ جنوری ۲۰۱۵

جمهوری اسلامی پیاده نظام ارتش امریکا



اشراف، یک اندیشکده کانادایی پیش‌بینی کرد که سال ۲۰۱۵ شاید "آخرین فرصت" برای برقراری دوباره روابط میان ایران و ایالات متحده باشد.

به گزارش **اشراف،** اندیشکده «ژئوپلیتیکال مانیتور» کانادا در گزارشی به پیش‌بینی روابط امریکا و ایران در سال ۲۰۱۵ پرداخت و نوشت: از میان تمامی پیش‌بینی‌های ممکن برای سال آتی، شاید ساده‌ترین پیش‌بینی در بین اهالی فن این باشد: ۲۰۱۵ شاید "آخرین فرصت" برای برقراری دوباره روابط میان ایران و ایالات متحده باشد، که در حال حاضر از سوی دو طرف محتاطانه به‌سوی بهبود پیش می‌رود. دو دلیل برای این موضوع وجود دارد. نخست، نیروی جهت‌دهنده برای همکاری بیشتر همواره شخصی بوده و در بالاترین سطوح دولت‌های این دو کشور تصمیم‌گیری می‌گردد. می‌توان گفت که هم رئیس‌جمهور اوباما، و هم رئیس‌جمهور روحانی با مخالفت‌های سفت‌وسخت، اگر نگوئیم متعصبانه، در درون دولت‌هایشان [برای برقراری روابط] مواجهند.

مرکز رصد ستراتیژیک **اشراف** بدون تأیید محتوا و ادعاهای مطرح شده در این گزارش، ترجمه آن را صرفاً جهت اطلاع نخبگان و تصمیم‌گیران عرصه سیاسی کشور از رویکردها و دیدگاه‌های اندیشکده‌های غربی منتشر می‌کند و دیدگاه‌ها، ادعاها و القانات این گزارش‌ها هرگز مورد تأیید اشراف نمی‌باشد.

■ برنامه روحانی و اوباما برای روابط نو میان امریکا و ایران ■

اوباما سیاست نرم سال‌های پیش خود که بار سنگینی را بر دوش سیاست خارجی‌اش نهاده بود را کنار می‌گذارد، ولی حتی در این صورت هم هنوز این امکان برای کنگره تحت کنترل جمهوری خواهان وجود دارد تا راهی را برای از ریل خارج کردن روند مذاکرات پیدا کنند. با در نظر داشتن انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده در سال ۲۰۱۶، پیروزی جمهوری خواهان می‌تواند تقریباً تمام راه‌های ایالات متحده [برای برقراری روابط] را ببندد. و در مورد ایران نیز می‌توان گفت که دستگاه حاکم مذهبی از فکر روابط نزدیکتر با ایالات متحده (که هنوز برای بسیاری “شیطان بزرگ” است) بیزار است؛ تا آنجا که هنوز این پرسش پاسخ داده نشده مطرح است که آیا گفت و گوهای فعلی با حسن نیت در حال پیگیری است یا نه؟ خلاصه این‌که، روابط نو “میان ایالات متحده و ایران، تا حدود زیادی برنامه شخصی روحانی و اوباما بوده است. و ۲۰۱۵ آخرین فرصت آن‌ها برای تحقق بخشیدن به این فرصت است.

■ ایران و ایالات متحده، اتحاد برای مقابله با دشمن مشترک؟ ■

دومین عامل کلیدی در این میان، ثبات و پایداری در خاورمیانه است که روز به روز وخیم‌تر می‌گردد. ایدئولوژی خصمانه دولت اسلامی [داعش] ترغیب‌کننده یک نوع دشمنی – که حتی آن را می‌توان نزدیک به کشتار جمعی و نسل‌کشی دانست – میان جمعیت سنی و شیعه منطقه است. ایران به عنوان پشتیبان نمادین جمعیت شیعه جهان باید تهدیدات و خطرات داعش را بسیار جدی بگیرد. و این اندرز قدیمی در اینجا کاربرد دارد: “دشمن دشمن من، دوست من است.” ایالات متحده و ایران در مسائلی مانند نبرد علیه داعش، سقوط منطقه [به دست داعش]، و هرج و مرج در این منطقه کلیدی به هم‌پیمانان طبیعی یکدیگر تبدیل شده‌اند. این نخستین بار پس از انقلاب ایران است که دلیلی برای همکاری دوجانبه [میان دو کشور] پدیدار گشته است که صدایش آنچنان رسا است که حتی ممکن است صداهای عقیدتی در هر دو کشور را خفه کند.

■ موارد مورد مناقشه برای دستیابی به یک توافق جامع ■

مدت دستیابی به یک توافق هسته‌ای پایان یافته، و تاکنون دو بار تمدید گردیده است، که آخرین بار نوامبر ۲۰۱۴ بوده است. ضرب‌الاجل فعلی ۳۰ جون ۲۰۱۵ است و نشانه‌هایی از پیشرفت (مذاکرات) پیش از ۱۵ ام جنوری، یعنی زمانی که مذاکره کنندگانی از ایالات متحده، روسیه، چین، فرانسه، آلمان و بریتانیا گفت و گوها را از سر می‌گیرند، دیده می‌شود. مسائل اصلی که هنوز می‌باید حل شوند این موارد را در بر می‌گیرند: ظرفیت غنی‌سازی بلندمدت ایران (شش طرف مذاکره‌کننده به دنبال کاهش ۵۰ درصدی هستند، و ایران با ۲۰ درصد موافق است)؛ وضعیت آتی تسهیلات غنی‌سازی زیرزمینی در نطنز و فردو، که خارج از دسترسی حملات هوایی است؛ و وضعیت آتی راکتور آب‌سنگین در اراک که تقریباً تکمیل گردیده است. واشنگتن تأکید می‌کند که افزایش همکاری و “ترمیم روابط” ایران [با دیگر کشورها] بدون دستیابی به یک توافق جامع در مورد برنامه هسته‌ای ایران امکان‌پذیر نخواهد بود.

■ عربستان بازنده اصلی بهبود روابط ایران و امریکا ■

-دورنما

در حالی که دورنمای از سرگیری روابط میان ایالات متحده و ایران بهتر از دورنمای موجود در دهه‌های پیشین بوده است، باید به این نکته اشاره کرد که روابط میان این دو کشور روی هم رفته هنوز تیره‌وتر است. از جمله دلایل [تیرگی روابط دو کشور] می‌توان این‌ها را نام برد: جبهه‌های قدرتمندی که در هر دو کشور مخالف [از سرگیری روابط هستند]، و بازیگران مشخص خارجی که متعهد این هستند که واشنگتن و تهران دشمنان قسم‌خورده باقی بمانند. عربستان سعودی برای نمونه یکی از کشورهایی است که اگر روابط [میان ایران و ایالات متحده] بهبود یابد، چیزهای بسیاری را از دست خواهد داد، و دولت عربستان سعودی هر چه از دستش برآید انجام خواهد داد تا این عادی‌سازی روابط روی ندهد، حالا چه با جلو انداختن خود به عنوان راه‌حلی شدنی در نبرد علیه دولت اسلامی، یا با پذیرفتن بی‌سروصدای تأثیرگذاری ایالات متحده در قدرتمندترین کارتل نفتی در دنیا.

■ زمان در حل مذاکرات هسته‌ای بسیار اهمیت دارد ■

در سال پیش رو باید دو مسأله کلیدی را در نظر داشت. نخست، از ایران خواست تا هر چه زودتر حرکتی به سمت توافق انجام دهد – که اگر شایعات اخیر درست باشد که تهران با فرستادن مواد شکاف‌پذیر [(مانند اورانیوم)] به روسیه موافقت نموده است، این مسأله خود به خود حل شده است. مذاکره‌کنندگان ایرانی بدون شک از این مسأله آگاه هستند که هر روزی که می‌گذرد، رئیس‌جمهور اوپاما نسبت به حل مسائل بدگمان‌تر می‌شود. اگر امیدی برای دستیابی به یک توافق وجود داشته باشد، زمان در این میان بسیار دارای اهمیت است. بنابراین ضرب‌الاجل بعدی در جون [۲۰۱۵] را به احتمال بسیار فراوان می‌توان آخرین مهلت دانست.

دوم، رویدادهای رخ داده در جنگ علیه داعش تأثیری مستقیم بر روی برقراری یا عدم برقراری روابط میان ایالات متحده و ایران دارد. واشنگتن همچنان بر سر مواضع خود ایستاده و در جنگش علیه داعش، همپیمان دور و دراز ایران، یعنی بشار اسد را نیز مورد حمله قرار داده است (گویا مثل “دشمن دشمن من، دوست من است” در تمام موارد صحت ندارد). ولی اگر نیروهای دولت سوریه در سال آینده در جنگ داخلی پیروز گردند، ایالات متحده ممکن است چاره‌ای نداشته باشد جز این‌که با تنگ‌نظری [هم که شده] وجود بشار اسد را تقریباً مانند پیش از درگرفتن بیداری عربی بپذیرد.

■ ایران قادر به ثبات بخشیدن به این شرایط خطرناک است ■

نتیجه بحران سوریه برای روابط میان ایالات متحده و ایران به منزله سود خالص است، چرا که منجر به از میان رفتن یکی از مناقشات اصلی میان دو کشور می‌گردد: این پرسش که آیا بشار اسد باید بماند یا برود. به همین ترتیب، اگر هرج و مرج در امتداد مرز سوریه و عراق گسترش یابد، و ترکیب نیروهای دولت عراق و ائتلاف حملات هوایی ایالات متحده بی‌تأثیر باشد، ایران می‌تواند به عنوان یک شریک خوشایند وارد عمل شود؛ و هر چند ایران به هیچ وجه شریکی ایده‌آل به شمار نمی‌رود، ولی می‌تواند کشوری باشد که قادر به ثبات بخشیدن به این شرایط خطرناک باشد، بدون این‌که به استقرار بلندمدت و آرمان‌گرایانه ارتش ایالات متحده که بسیار برای آن کشور پرخرج نیز هست، نیازی باشد.

پایان